

## جلوه‌های مضامین مذهبی در شعر آیینی حمیدرضا برقعی و سوگواری‌های معاصر

### چکیده

شعر تعلیمی، پیشینه‌ای کهن در ادب فارسی دارد و شعر آیینی را یکی از گونه‌های آن است. این قسم از شعر در دهه‌های اخیر از رونق بیشتری برخوردار بوده و آن را در میراث ادبی گذشته فارسی با عنوان‌هایی همچون ادبیات دینی، ادبیات مذهبی، ادبیات مناسبتی و مانند این‌ها می‌شناسیم. شعر آیینی نمود آشکاری نیز در سوگواری‌های دوره معاصر دارد. آموزه‌های دینی بیشترین بن‌مایه‌های شعر تعلیمی می‌باشد. هدف از آن تعلیم و تربیت در بستر حکمت و اخلاق را شامل می‌شود که البته به زبانی هنرمندانه بیان می‌گردد. در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته به بررسی مضامین تعلیمی در اشعار آیینی سید حمیدرضا برقعی و هنر «تعزیه» می‌پردازیم تا طیف گسترده حضور این قسم از شعر که دربرگیرنده سروده‌های توحیدی، مدح و منقبت مذهبی و سوگ سروده‌های مذهبی در شعر برقعی است، را نشان دهیم. در اشعار برقعی به زیبایی، مهارت و تفکر در تعلیم با هم پیوند خورده؛ این فرایند با اندیشه و ارزش‌های دینی همراه است. از مزایای شعر برقعی آن است که با سلیقه‌ها و روحیات گوناگون مذهبی ارتباط برقرار کرده و در تقویت مسئله محبت، بسیار اثرگذار می‌باشد؛ محبتی که با معرفت همراه است و عاطفه مخاطب را برمی‌انگیزد. این سبک شعر در سوگواری‌های معاصر با محوریت تعزیه نیز نقش مهمی دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. معرفی و بیان مؤلفه‌های شعر آیینی.
۲. شناخت جلوه‌های مضامین آیینی در شعر سید حمیدرضا برقعی و سوگواری‌های معاصر.

### سوالات پژوهش:

۱. سازوکار و ذهن و زبان شاعر در بیان مضامین آیینی چگونه است؟
۲. جلوه‌های مضامین آیینی در شعر سید حمیدرضا برقعی و سوگواری‌های معاصر چگونه است؟

**کلیدواژه‌ها:** مضامین تعلیمی، شعر آیینی، محبت، سید حمید رضا برقعی.

## مقدمه

شعر تعلیمی در ادبیات فارسی از پیشینه کهنی برخوردار است و بخش قابل توجهی از سروده‌های شاعران آغازین به این نوع شعر اختصاص داشته است؛ شعر آیینی اگرچه از منظر انواع ادبی، گونه‌ای شعر تعلیمی محسوب می‌شود ولی باین حال، حضور از ادبیات حماسی گرفته تا ادبیات عرفانی و شعر تعلیمی در همه گونه‌های اصلی شعر، حتی غنایی، کاملاً محسوس است؛ به همین سبب در اختلاط ژانرهای ادبی، غالباً وجهی از این اختلاط با ادبیات تعلیمی پیوند می‌یابد. «قصد و هدف اصلی این‌گونه ادبیات نمایانن راه درست و تحذیر از راه خطاست با بیان اثرگذار» (ربیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۲). ادبیات تعلیمی از قدیمی‌ترین گونه‌های ادبی است که هدف آن آموزش و هدایت انسان‌ها است (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۲) که هدف اصلی آن تشریح دانش (چه عملی و چه نظری) برای خواننده و یا عرضه مسائل اخلاقی مذهبی و فلسفی به شکلی ادبی و درآمیخته با عناصر زیباسازی سخن است که در برخی از این آثار، عناصر و مایه‌های ادبی نمود چشمگیر دارد و در برخی دیگر کم‌رنگ‌تر است (اسکندری و مبارک، ۱۳۹۹: ۲). ادبیات تعلیمی دو نوع عام و خاص دارد، در معنای خاص متن موردنظر، آموزش دانش خاص مثل دستور زبان مادری و یا لغت و غیره و معنای عام که متداول‌تر از خاص است به ذکر مسائل، اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی و غیره می‌پردازد (محسنی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۵). در ادبیات تعلیمی آموزش باید در اولویت باشد و این آموزش باید به‌نوعی با خودشناسی و جهان‌بینی منجر شود که با استفاده از این دو مقوله می‌توان حقایق را بهتر شناسایی کرد و به قوت و ضعف بسیاری از پدیده‌ها پی‌برد. ادبیات آیینی بخشی از ادبیات مذهبی ما به‌شمار می‌رود که بیشترین مضامین ادبیات تعلیمی را شامل می‌شود.

حمیدرضا برقعی متولد مرداد ۱۳۶۲ در شهر مقدس قم است. او که قریحه شاعری را از جدش به ارث برده است، از پانزده‌سالگی اولین اشعارش را سرود و در این راه از اشعار قیصر امین‌پور بهره‌ها برد. در شهر مقدس قم که شهر علم و اجتهاد است، متناسب با محیط فرهنگی و بستر مذهبی آن به هنر «تعزیه» بیشتر از شهرهای دیگر اهمیت داده می‌شود. هنر ملی «تعزیه» با درون‌مایه اسلامی ریشه‌ای کاملاً ایرانی و چندین هزارساله دارد. ایرانیانی که با شاهنامه‌خوانی و نقالی به طرح مضامین غرورآمیز حماسی می‌پرداختند، از دوران آل‌بویه با تعزیه‌خوانی روایت حزن‌انگیز حادثه کربلا را شبیه‌خوانی کردند که تا به امروز این هنر ادامه یافته است. اما برقعی که در این محیط نشوونما یافته است، صرفاً مدّاح یا مرثیه‌خوان اهل‌بیت نیست؛ بلکه با به‌کارگیری عناصری آشنا، ذهن مخاطب را به واقعه یا اتفاقی خاص گره می‌زند.

برقعی شاعر معاصر ایرانی با بیانی متفاوت و تأثیرگذار به مدح ائمه اطهار پرداخته، با زبان ساده و بیان دلنشین مفاهیم را به‌گونه‌ای غیرمستقیم ابراز می‌کند و این از امتیازات اشعار ایشان است، اصطلاحاتی چون اقتباس، تضمین، تلمیح از شاخصه‌های اشعار برقعی است، این شکل‌گیری‌ها در ساختار تازه اشعارش مشهود است. شعر او به سبب غنایی بودن، تأثیرگذاری، انتقال احساسات و عواطف طیف وسیعی از مخاطبان را شامل می‌شود. شاخص‌های ممتاز شعر او از نظر انسجام و مضمون‌آفرینی با خلق نمونه‌های ماندگار و ارزشمند گنجینه‌ای پربرابر است که با لحنی شورانگیز بیان شده است. شعر آیینی خود نوعی ادبیات تعلیمی به‌شمار می‌رود و با محتوا و گزاره‌های دینی و باورهای مذهبی اقشار مردم گره‌خورده است، و ساختار آن در چارچوب، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و سهم اندکی غزل را شامل می‌شود. در اشعار

آیینی برقی، وصف شخصیت امام رضا علیه‌السلام کانون توجه این شاعر قرار گرفته است که به اشتیاق و دل‌باختگی و غرق‌شدن در شکوه و عظمت آن حضرت معطوف است و با اسلوب ادبی به بیان احساسات و عواطف درونی خویش می‌پردازد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۹). یکی از روش‌های اثبات حقانیت رویدادها و حوادث تاریخی هستند که از میلاد امام علی علیه‌السلام گرفته تا حادثه غدیر خم را شامل می‌شود (نعمتی قزوینی و عبدی، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

ادبیات آیینی با شاخه‌های گسترده و متنوع خود می‌تواند در طبقه‌بندی ژانرها، برحسب مورد در گونه حکمی و تعلیمی و در مواردی در گونه غنایی محسوب شود. این طبقه‌بندی به‌رحال زمانی که پیکره‌های شعری برخوردار از بار تعلیمی باشد، جز در حوزه شعر تعلیمی نمی‌گنجد. سهم مهمی از ادبیات تعلیمی مرتبط با ادبیات آیینی است و اساساً ادبیات آیینی در همه میراث‌های ادبی جهان، به‌نوعی با محتوا و گزاره‌های دینی و باورهای مذهبی گره خورده است و به همین سبب برای ورود به ارزش‌های تعلیمی در شعر آیینی، پرداختن به بن‌مایه‌های مذهبی و نهایتاً شعر تعلیمی، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. دامنه باورهای مذهبی بسیار گسترده است و اگر از منظر ادبیات به آن بنگریم، بیش از همه، یک موضوع عام از جایگاه ویژه‌ی بهره‌مند است و آن، شعر آیینی است. با نظری گذرا به درون‌مایه شعر آیینی مشخص می‌شود که در این قلمرو وسیع ذوق و اندیشه از هرچه مقدس و محترم و والا و زیباست، ستایش شده و از تمامی ناشایست‌ها و رذائل و آنچه موجب سقوط اخلاقی انسان می‌شود، نکوهش و تقبیح به‌عمل آمده است.

درباره شعر حمیدرضا برقی پژوهش زیادی در دسترس نیست. عسگری پیربلوطی (۱۴۰۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی و تحلیل آشنایی‌زدایی در اشعار سید حمیدرضا برقی» معتقد است که برقی با قدرت ادبی ابتکار خاص خود به ایجاد ترکیباتی پرداخته که در زیبایی آثارش تأثیر به‌سزایی داشته است. تناسب صامت‌ها و مصوت‌ها و فراوانی انواع تکرار، ذهن خواننده را به ارزش آوایی شعر او معطوف می‌کند و نوای خوش موسیقی الفاظ را بر گوش و جان خواننده می‌نشانند. حیدری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی صورت و معنی در شعر سیدحمیدرضا برقی» به این نتیجه می‌رسد که برقی شاعری جوان و آیینی‌سراست که توانسته است با «زبان عام‌فهم و خاص‌پسندش» مخاطبان عام و خاص زیادی را مجذوب شعر خویش نماید و ضمن استفاده از قوالب و مضامین سنتی، با نگاهی نو، تصویرسازی‌ها و مضمون‌پردازی‌های بدیع جذابیت خاصی به شعر آیینی ببخشد. ارج (۱۳۹۶) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل و مقایسه جنبه‌های فکری و تصویری سروده‌های سعید بیابانکی با حمیدرضا برقی» ادعان می‌دارد که ضامین عاشورایی، فاطمی، علوی، مهدوی و دفاع مقدس در اشعار هر دو شاعر وجود دارد؛ اما بیابانکی علاوه بر این موضوعات، در حوزه نقد اجتماعی، طنز و مضامین عاشقانه نیز شعر سروده است. نکته دیگر این که نگاه بیابانکی به واقعه عاشورا متفاوت است؛ وی بیشتر از این که توصیفگر باشد، منتقد سطحی‌شدن تفکر عاشورایی و بسندگی به ظواهر این واقعه است. محمدی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی سیمای امام رضا (ع) در شعر دعبل خزاعی و سید حمیدرضا برقی» معتقدند که مفاهیم مشترک بسیاری همانند بیان شأن و مقام امام (ع)، امیدواری، حزن و اندوه، شفاعت‌خواهی و کرم و بخشندگی در شعر دو شاعر به چشم می‌خورد.

در زمینه شعر آیینی نیز می‌توان مواردی را به‌عنوان پیشینه پژوهش بیان نمود؛ از جمله خدامرد (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «آسیب‌شناسی شعر آیینی معاصر ایران» بیان می‌کند که یکی از نقاط ضعف و آسیب‌های وارده بر شعر آیینی معاصر ایران ضعف در اندیشه، پیام و محتواست. روح هنر و ادبیات آیینی، در پیام و محتوای آن نهفته است؛ و شاعر آیینی باید به این مقوله مهم توجه ویژه و خاص داشته باشد. پیام متعالی، محتوا و زبان متعالی هم می‌طلبند. زبان

نامتناسب و غیر کاربردی، به تنزل اندیشه و مفهوم و پیام اثر هم می‌انجامد. نوریان و خردمندپور (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «مضامین تعلیمی در شعر آیینی» می‌کوشند تا تعریف شعر آیینی، ویژگی‌های چشمگیر این نوع شعر، درون‌مایه شعر آیینی از دیدگاه تعلیمی و اندیشه‌های تعلیمی در انواع شعر آیینی را مورد بحث و بررسی قرار دهند و طیف گسترده حضور این قسم از شعر را که دربرگیرنده سروده‌های توحیدی، مدح و منقبت مذهبی و سوگ سروده‌های مذهبی در ادب فارسی است؛ نشان دهند و از دریچه ادبیات تعلیمی به بررسی این‌گونه سروده‌ها بپردازند.

### نتیجه‌گیری

ادبیات تعلیمی گونه مهم ادبی به شمار می‌آید که مسائل آموزشی را با بیانی لطیف و احساسی بیان می‌کنند، این زبان، زبانی هنرمندانه و خلاق است که باسلیقه و روحیات گوناگون در تعامل است و بخش گسترده‌ای از آثار مذهبی و آیینی را شامل می‌شود. در اشعار آیینی علاوه بر مضامین آموزشی و تعلیمی، شاعر دقیقاً روی لبه تیغ حرکت می‌کند، به نحوی که اگر بخواهد از قدرت تخیل به‌نوعی بهره ببرد که موضوع، دچار تحول و تغییرات شود، باید پاسخ‌گوی تاریخ و تاریخ‌نگاران و مردمی باشد که صدها سال با ذهنیت تاریخی ماجرا آشنا بودند. پس تخیل را باید با حقیقت واقعه آمیخت، به صورتی که اصل ماجرا همان باشد که هست، ولی زاویه دید و تخیل شاعر به گونه‌ای باید باشد که بتواند مخاطب را از دریچه نگاه خود به دیدن واقعه دعوت کند؛ برقی این توانایی را دارد که با انعطاف زبان و تخیل و عاطفه، برای مخاطب خود ماجرای دلنشین و تأثیرگذار را بیان کند. شاعران فارسی‌زبان از دیرباز به شعر آیینی توجه فراوانی داشته‌اند. در دوران معاصر، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، شعر آیینی سیری صعودی پیدا کرد و از نظر قالب و محتوا دچار دگردهی شد. در بیان مضامین تعلیمی در شعر برقی می‌توان گفت: برقی در اشعار خویش دست‌به‌دامن تلمیحات شده که این ویژگی نشان از مطالعه و تسلط بر منابع دینی از جمله قرآن کریم و احادیث دارد که بر ارزش شعر افزوده است. برقی از اسلوب ادبی بهره‌مند است. در شعر برقی قوه خیال سهم بیشتری را به خود اختصاص داده و به سروده‌هایش جلوه‌ای ویژه بخشیده است.

برقی در سرودن اشعار آیینی روش جدیدی را به کار می‌گیرد از جمله: اشارات هنرمندانه‌اش بر زیبایی اشعارش می‌افزاید و نگرستن شاعر به شعر از زاویه‌ای جدید و گریزهای شاعرانه به حوادث تاریخی، وقایع را برای مخاطب جذاب می‌کند. برقی با به‌کارگیری مضامین تعلیمی همچون توبه، توکل، تواضع و صبر در کنار به‌کارگیری آیات قرآن و احادیث، شعری عوام فهم‌تر را برای مخاطب خلق نموده است.

### فهرست منابع و مآخذ:

#### قرآن کریم

- ابن‌منور، محمد. (۱۳۶۰). اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید ابوالخیر. تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: فردوس.
- اسکندری شرفی، فرشاد؛ مبارک، وحید. (۱۳۹۹). «بازنمایی مضامین اخلاقی و تعلیمی در پنج‌گنج عماد فقیه کرمانی»، نشریه علمی پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، شماره ۴۷، ۱۷۰-۱۳۲.
- افراسیاب‌پور، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). «فضیلت صبر در ادبیات تعلیمی». نشریه علمی‌پژوهشی پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دوره ۴، شماره ۱۶، ۱۲۹-۱۰۳.
- اکرمی، میرجلیل؛ خاکپور، محمد. (۱۳۹۰). «نقد و بررسی شعر نوآیینی پیش از انقلاب اسلامی». پژوهش‌های ادب عرفانی (گوه‌ر گویا)، دوره ۵، شماره ۳، ۵۶-۳۳.

- برقعی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). طوفان واژه‌ها. چاپ بیست و چهارم، تهران: فصل پنجم.
- (الف، ۱۳۹۸). یحیی. چاپ هشتم، تهران: فصل پنجم.
- (۱۴۰۰). قبله مایل به تو. چاپ هفدهم، تهران: فصل پنجم.
- (الف، ۱۴۰۰). رقعہ. چاپ دهم، تهران: فصل پنجم.
- ربیعی، حجت‌الله؛ خراسانی، محبوبه؛ رشیدی آشجردی، مرتضی. (۱۳۹۸). «بررسی نمود ادبیات تعلیمی در شعر اخوان ثالث». نشریه علمی پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، ۱۸۰-۱۶۱.
- زرقانی، مهدی. (۱۳۸۷). چشم‌انداز شعر معاصر ایران. چاپ سوم، تهران: نشر ثالث.
- زرین‌کوب، حمید. (۱۳۵۸). چشم‌انداز شعر نو فارسی. تهران: انتشارات توس.
- صادق‌نیا، مهرباب؛ ربانی، محمدعلی. (۱۳۹۳). «تحلیل کارکردی سوگواری‌های محرم در ایران پس از انقلاب». نشریه شیعه‌شناسی. دوره ۱، شماره ۱، ۹۰-۷۳.
- صالحی، پیمان؛ سهیلی گیلانی، سهراب. (۱۳۹۵). «عاشورا و امام حسین (ع) در اشعار شاعران فارسی و عربی معاصر». دوره ۱، شماره ۲، ۱۵۱-۱۲۳.
- کریمی‌ان، مریم؛ مهربان قزل‌حصار، جواد؛ اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۹۸). «تحلیل ادبیات تعلیمی از انواع ادبی دیگر قرن چهاردهم (نظم)». نشریه علمی پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۲۰۴-۱۶۱.
- گوهرین، سید صادق. (۱۳۶۸). فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی، تهران: زوآر.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم‌بن‌هوازن. (۱۳۸۸). رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی عثمانی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ دهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- محدثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۸). شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- محقق، جواد. (۱۳۵۸). ای آفریدگار. تهران: انتشارات هجرت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- محسنی‌نیا، ناصر؛ ابوالقاسمی، محسن؛ صدرایی، رقیه. (۱۳۹۹). «تحلیل آموزه‌های تعلیمی در آثار برجسته عرفانی و صوفیانه حکیم ملاعباسعلی کیوان قزوینی». نشریه علمی پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ۱۶۳-۱۲۸.
- محمدی، مجید؛ عزیزی، کبری؛ میرزایی، فرخنده. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی سیمای امام رضا (ع) در شعر دعبل خزاعی و سید حمیدرضا برقعی». کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۲۰، ۸۲-۵۹.
- نعمتی قزوینی، معصومه؛ عبدی، رعنا. (۱۳۹۷). «غدیر از منظر شعر آیینی عراق باتکیه بر اشعار سیدرضا موسوی هندی، عبدالمحسن ابوالحب، احمد وائلی، سید جمال گلپایگانی». پژوهش‌نامه علوی، دوره ۹، شماره ۲، ۱۴۱-۱۱۹.
- نوریان، سید مهدی؛ خردمندپور، مسعود. (۱۳۹۳). «مضامین تعلیمی در شعر آیینی». نشریه علمی پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دوره ۶، شماره ۲۳، ۳۸-۱۸.
- هجویری، ابوالحسن علی‌بن‌عثمان. (۱۳۸۳). کشف‌المحجوب. تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، چاپ دوم، تهران: سروش.